

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهلیت اشخاص در صدور اسناد تجاری

مولف

نوشین اکبری دوبرجی

ویراستار

مریم کهریزی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

تقدیم بہ پدر و مادر عزیزم

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول

کلیات

فصل دوم

اهلیت در اشخاص حقیقی و حقوقی

فصل سوم

آثار فقدان اهلیت

نتیجه گیری و پیشنهادات مولف

منابع و ماخذ

پیدایش اسناد تجاری به تاریخ حقوق تجارت باز می‌گردد و در یک نگاه کلی، حاصل نیازهای تجاری و بازرگانی است. علت پیدایش این اسناد در سه ضرورت اصلی سرعت، سهولت و امنیت روابط تجاری خلاصه می‌شود. این اسناد در جهت تسهیل گردش ثروت و سرعت بخشیدن به کارها و نیز معاف کردن تجار از انجام کارهای اداری وقت‌گیر مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما وجود این اسناد برای صدور آن کافی نیست و اگر مطابق مقررات ماهوی صادر نشود اعتباری ندارد. مهمترین این مقررات داشتن

اهلیت است فقدان اهلیت موجب بی اثر شدن و بی اعتباری صدور این اسناد می گردد به عبارت دیگر فقدان اهلیت موجب می شود تعهدی برای صادرکننده و امضاء کننده آن ایجاد نشود مانند این است که سندی صادر نگردیده است بنابراین اگر صادرکننده یا متعهد در هنگام صدور یا قبول تعهد اهلیت نداشته باشد سند، منشاء اثر نخواهد داشت. در این کتاب اهلیت اشخاص را در صدور قبولی ، ظهرنویسی و ضمانت در برات ، سفته و چک در سه فصل مورد بررسی قرار دادیم. بابررسی این موضوع معلوم گردید که در اسناد تجاری هر امضایی با توجه به امضای، به

طور مستقل دارای اعتبار میباشد هر چند سند تجاری ، مجعول باشد ولی تعهدات امضاکنندگان ان معتبر میباشد و اهلیت صادرکننده سند،مربوط به تعهدات صادرکننده میباشد. با مراجعه به منابع حقوق مدنی و تجارت صورت پذیرفته است که فصل اول کلیات بوده و فصل دوم اهلیت اشخاص حقیقی و حقوقی و در نهایت در فصل سوم نیز فقدان اهلیت و تاثیر آن در اسناد تجاری را مورد بررسی قرار داده ایم.

با گسترش و پیچیدگی روابط تجاری ، بشر به فکر ایجاد جانشین برای پول افتاد و اسنادی برای جایگزین شدن به جای پول به وجود آمد اسنادی که به تدریج متحول شد هم اکنون این اسناد تجاری دارای اهمیت و نقش بیشتری در گردش ثروت و توسعه اقتصادی ایفاء می نمایند. اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی در مراودات اسناد تجاری مانند سایر معاملات باید در اظهار اراده اهلیت آن را داشته باشند. به عبارت دیگر با اراده سالم عقد یا تعهدی را ایجاد کنند از جمله اعمال حقوقی مربوط به اسناد تجارتی خاص (چک

، سفته و برات) در قانون تجارت ، صدور ،
ظهر نویسی ، قبولی و ضمانت می باشد و
تعهد تجاری یا تعهد براتی به منزله متعهد
شدن در تأدیه وجه سند تجاری می باشد.
تعهدی که منشأ ایجاد آن ناشی از اعمال
حقوقی چون صدور ، ظهر نویسی ، ضمانت و
قبولی می باشد همچنین از شرایط اساسی
صحت معاملات که در ماده ۱۹۰ ق.م بیان
گردیده ، فی الواقع از قوانین امری و مربوط به
نظم عمومی بوده که تراضی افراد جهت
عدول از چنین شرایطی پذیرفته نبوده و
ضمانت اجرایی خاص جهت عدم رعایت آن
وضع گردیده است . تاکید قانون بر لزوم

وجود اهلیت در متعاملین به منظور صحت معامله این سوال را به همراه دارد که اگر متعاملین فاقد اوصاف باشند یا اوصاف بلوغ، رشد و عقل مذکور را به طور ناقص داشته باشند تکلیف معامله آنها چگونه خواهد بود؟ آنچه که در این کتاب سعی در انجام آن گردیده بررسی اهلیت امضاء کنندگان اسناد تجاری است. در قانون تجارت فقط به شرایط شکلی اسناد پرداخته و شرایط ماهوی مربوط به امضاء کنندگان اسناد تجاری مسکوت مانده است و لیکن این سکوت به معنای فقدان شرایط ماهوی در مورد این اعمال حقوقی نیست و برای جبران این خلاء قانونی

در قانون تجارت ، علی القاعده باید به قانون عام (قانون مدنی) رجوع نمود. در قانون مدنی تعهد تعریف نشده است ولی اصطلاحاً تعهد یعنی یک رابطه حقوقی یا یک وضعیت حقوقی میان متعهد و متعهدله است . در حقوق تجارت و مشخصاً در مبحث اسناد تجاری برای کلیه امضاء کنندگان تعهد ایجاد می شود و مورد تعهد در اسناد تجاری تادیه وجه سند تجاری می باشد. تعیین شرایط صحت چنین تعهدی که در حقوق تجارت «تعهد تجاری» یا «تعهد براتی» نامیده می شود بر اساس قانون مدنی ،بعنوان قانون مبنا برای تشخیص صحت تعهد از نظر ماهوی و

فارغ از شرایط شکلی که در قانون تجارت تصریح گردیده است ، باید اهلیت شخص ، احراز گردد. (وفق ماده ۱۹۰ ق. م.) در رجوع به قانون مدنی برای تبیین اهلیت در اسناد تجاری با سوالات متعددی مواجه می شویم:

الف) سوالات مطروحه در این کتاب

اول - آیا نقش اهلیت در متعهدین اسناد تجاری خاص (تعهد براتی) با سایر اعمال حقوقی یکسان است؟

دوم- آیا ضمانت اجرای فقدان اهلیت در متعهدین اسناد تجاری با سایر اعمال حقوقی واحد است؟

سوم- آیا اصول حاکم بر اسناد تجاری
تأثیری در موضوع اهلیت دارد؟

ب) فرضیات مطروحه در این اثر علمی

اول : از نظر لزوم وجود اهلیت در تعهد
براتی با سایر اعمال حقوقی اختلافی به نظر
نمی رسد ولی از نظر شرایط اعمال (اهلیت
تصرف) دارای نقش یکسان نمی باشند.

دوم: در تعهد تجاری، فقدان اهلیت احدی
از متعهدین براتی، ضمانت اجرایی بطلان یا
عدم نفوذ تعهد براتی سایر متعهدین را موجب
نمی شود و لیکن در سایر اعمال حقوقی

فقدان اهلیت ضمانت اجرایی بطلان یا عدم
نفوذ تعهد مدنی را موجب می شود.

سوم: برخلاف سایر اعمال حقوقی، در تعهد
تجاری (براتی) اصولی حاکم است مانند اصل
تجریدی بودن که تأثیری غیر مستقیم بر
اهلیت دارد و براساس این اصل لغو تعهد یکی
از متعهدین اسناد تجاری به علت عدم اهلیت،
سبب لغو تعهد سایر مسئولین سند تجاری
نخواهد شد.

قانون تجارت ایران از قانون تجارت فرانسه
اقتباس گردیده است و نویسندگان قانون
تجارت به شرایط ماهوی اعمال حقوقی ناشی
از صدور اسناد تجاری و ... هیچ اشاره ای

نداشته اند و این کاستی سبب شده است که شارحین قانون تجارت در تحلیل شرایط ماهوی راجع به اسناد تجاری به قانون مادر (قانون مدنی) رجوع نمایند که این رجوع بعضاً به دلیل اصول خاص حقوق تجارت یعنی اصل سرعت و امنیت، سبب اختلاف نظرات اساسی در دکترین و به تبع آن در رویه قضایی گردیده است و اختلاف نظر و خلأهای تحقیقاتی موجود و فواید احتمالی نظری و عملی آن اهمیت و ضرورت انجام تحقیق را تبیین می نماید. نتایج حاصله از این تحقیق دارای یک هدف آرمانی یعنی ادامه دادن راه تجزیه و تحلیل علمی مواد قانون

تجارت به اتکاء آخرین تحلیل های مکتسبه از رویه قضایی بوده و هدف کاربری تحقیق، پیدا کردن راهکارهای جدید برای خاتمه دادن به مباحث نظری و بکارگیری راهکارهای نهایی در آراء محاکم دادگستری و نهایتاً احقاق حق دارندگان باحسن نیت اسناد تجاری می باشد و قضاوت محاکم دادگستری ، شوراهای حل اختلاف، جامعه و کلاء و مشاورین دادگستری به عنوان استفاده کنندگان عملی این تحقیق بوده و دانشجویان رشته حقوق نیز قادر به استفاده از نتایج آن می باشند. در مورد اسناد تجاری نویسندگان متقدم با شرح مواد قانون تجارت کتب

مختلفی را به رشته تحریر در آورنده اند
و شارحین متأخر نیز با شرح مجدد، همان
مقررات ، حداکثر کاری که کرده اند،
افزودن مواد مربوط به کنواسیون های ژنو و
آنسترال بوده است و در این کتب مختصری
به شرایط ماهوی اسناد تجاری پرداخته شده
است و وجه مشترک نقطه نظر تمام این
نویسندگان لزوم رجوع به قانون مدنی بوده
است.

فصل اول

کلیات

۱-۱- پیشینه تاریخی

قدیمی ترین اسناد تجاری بدست آمده مربوط به تمدن های قبل از میلاد می باشد . در سالهای ۱۳۶۰-۱۸۵۰ قبل از میلاد مسیح اولین سلسله حمورابی روی کار آمد . اسناد قانونی حمورابی و قوانین تجارت بابل ، جز قدیمی ترین اسناد بدست آمده است . در این قوانین راجع به وام یا بهره ، امانت ، شرکت و حق العمل کاری ، مقرراتی به چشم می

خورد. (بهرامی ، ۱۳۸۷ : ۱۳) پس از آنکه ایرانیان به دست ایرانیان فتح شد ، قوانین تجارت و سایر قوانین که بابلی ها از آن نتیجه خوبی گرفته بودند، مورد استفاده قرار گرفت. (عرفانی ، ۱۳۸۸ ، ۳) قرآن کریم نیز که بزرگترین سند اسلامی محسوب می گردد ، در آیات متفاوت ، نوشته را به عنوان سند مور تاکید قرار داده است . در خصوص تنظیم سند بین متعاملین ، خداوند متعال در آیه ۲۸۲ سوره بقره چنین فرموده اند : « یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه » « ای اهل ایمان هرگاه در مقام داد و ستد ، قرض ، وثیقه و امثال آن می آید باید آن را بنویسید »

. در ایران نیز صرف نظر از شکوفایی دوران
باستان، از عصر ملک شاه سلجوقی ، اسناد
مالکیت وسیله اثبات دعاوی در دادگاه بود . (
صفری ، ۱۳۸۷ : ۱۶)

اولین مقررات موضوعه مربوط به تجارت ،
مقرراتی تحت عنوان قبول و نکول برات
تجاری در ۲۹ ثور ۱۲۸۹ قمری در ایران
تصویب گردید . اما اولین قانون تجارت ایران
، قانون تجارت مصوب سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴
شمسی است که مرکب از سه فقره قانون و در
مجموع دارای ۳۸۷ ماده بود که در این قانون
اسناد تجارתי تابع قواعد مخصوص شد . در
سیزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ قانون

تجارت دیگری در ۶۰۰ ماده به تصویب رسید
. در این قانون باب مخصوصی به مقررات
مربوط به برات ، سفته ، برات و چک
اختصاص داده شد . (حسنی ، ۱۳۸۵ : ۳۶)
مقررات چک در ایران از ماده ۳۱۰ تا ماده
۳۱۷ قانون تجارت (مصوب ۱۳ اردیبهشت
۱۳۱۱ ه . ش) پیش بینی شده است . متعاقبا
قانون مجازات عمومی در ماده ۲۳۸ مکرر
خود (مصوب ۸ مردادماه ۱۳۱۲) در فصل
مربوط به کلاهبرداری صدور چک بلا محل
را به طور مستقل ، جرم قلمداد نموده ، ضمناً
در ۱۹ مهرماه ۱۳۳۱ و ۲۷ آبان ۱۳۳۱ قوانینی
به ترتیب در مورد چک های تضمین شده و

چک بدون محل به تصویب رسید . قانون
چک بلامحل مصوب ۲۲ تیرماه ۱۳۷۷، اعتبار
چک را به گونه صوری تقویت نمود . سپس
قانون مصوب ۱۳۴۴ جانشین آن گردید . تا
اینکه قانونی تحت عنوان قانون صدور چک
مصوب ۱۳۵۵ در ۲۲ ماده و ۴ تبصره با نسخ
قوانین قبلی لازم الاتباع شد، که بعد از آن
قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک
۱۳۵۵ مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ تغییراتی در قانون
صدور چک ایجاد ، و نهایتاً آخرین تحولات،
طی قانون اصلاحی صدور چک مصوب
۱۳۸۲ در قانون صدور چک ایجاد شده است
(عرفانی ، ۱۳۸۸ : ۷۸)

۲-۱- واژه شناسی

در ابتدا برای درک و فهم بهتر اصطلاحات موجود در این کتاب به تعاریف واژه ها می پردازیم

۱-۲-۱- اهلیت

اهلیت در لغت به معنی صلاحیت قابلیت ، توانایی و شایستگی می باشد (عمید ، ۱۳۸۹ : ۲۰۸) و در اصطلاح حقوقی به معنی صلاحیت و توانایی شخص برای دارا شدن حق و تکلیف و اعمال و اجرای آن می باشد. اهلیت در قانون مدنی دارای دو قسم است که شامل اهلیت تمتع و استیفا می باشد در

ذیل به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱-۲-۱- اهلیت تمتع

اهلیت تمتع که از آن تحت عنوان اهلیت تملک و اهلیت استحقاق نام برده شده و عرب زبانان از آن به عنوان « اهلیت الوجوب » یاد کرده اند و آن صلاحیت و قابلیت شخصی است برای آن که بتواند دارای حقوق مدنی گردد یعنی دارای حق و تکلیف شود و اهلیت ذکر شده در مواد ۹۵۶ ، ۹۵۷ و ۹۵۸ قانون مدنی اشاره به اهلیت تمتع می باشد که هر انسانی بازنده متولد شدن تا آخرین لحظه حیات خود از آن متمتع می گردد.

۲-۱-۲-۱- اهلیت استیفاء

اهلیت استیفاء قدرت اعمال و اجرای حق است و قابلیت و صلاحیت شخصی می باشد که به موجب آن می تواند حقوق خود را استیفاء و اجرا نماید به مانند اینکه در اموال و حقوق مالی و غیرمالی تصرف نماید و با انعقاد قرارداد در مقابل طرف قرارداد متعهد گردد یا طرف مقابل تعهداتی به نفع وی بنماید.

قانون گذار در قسمت اخیر ماده ۹۵۸ ق.م.مقید داشته : «... هیچکس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد». در واقع به اهلیت استیفاء توجه نموده است و منظور مقنن در

ماده ۱۹۰ قانون مدنی که اهلیت طرفین را از شرایط اساسی صحت معامله دانسته اهلیت استیفاء بوده نه اهلیت تمتع.

وجود سه وصف عقل ، بلوغ و رشد که از اجزای اهلیت استیفاء است در ماده ۲۱۱ قانون مدنی آمده است و فقدان یا درجه شدت و ضعف اوصاف مذکور در اشخاص ، اساساً "صحت یا عدم صحت و همچنین نافذ یا غیرنافذ بودن اعمال حقوقی را تحت شعاع خود قرار می دهد .

۲-۲-۱- اهلیت اشخاص

اشخاص به دو گروه شخص حقیقی و شخص حقوقی تقسیم می شوند که به شرح ذیل بررسی می گردد

۱-۲-۲-۱- اهلیت شخص حقیقی

شخص حقیقی یا شخصی طبیعی همان انسان می باشد، موجودی که دارای حق و تکلیف است می تواند طرف مثبت یا منفی حقوق و تعهدات قرار گیرد، مقنن در ماده ۹۵۸ قانون مدنی بیان داشته است : «هر انسانی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود» قانونگذار در ماده مذکور به اهلیت تمتع اشاره داشته است و با توجه به ماده فوق هر انسان بدون در نظر گرفتن، جنس، نژاد، رنگ، مذهب، تابعیت

و موقعیت اجتماعی، دارای شخصیت بوده و قابلیت دارا شدن حق و تکلیف را دارد.

آغاز و شروع شخصیت و به عبارتی تصور و مبنای اهلیت تمتع در اشخاص حقیقی با زنده متولد شدن انسان شروع می شود ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر داشته : «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع می شود» و زنده متولد شدن در هنگام تولد، شرط برخورداری انسان برای اینکه بتواند صاحب حق گردد یا طرف تکلیف واقع است، اگرچه زنده ماندن او چند دقیقه ای بیش نباشد و مبنای اهلیت استیفاء داشتن قدرت تمیز و درک است، اگر قدرت تمیز

کامل باشد اهلیت شخص نیز کامل است و چنانچه شخص برخی امور و مسایل را از همدیگر تمیز دهد فقط نسبت به همان مسایل اهلیت دارد مانند سفیه که در خصوص امور مالی خود فاقد اهلیت است ولی در خصوص امور غیرمالی اهلیت دارد. پایان اهلیت اشخاص حقیقی، در حقوق ما، مرگ اشخاص می باشد که موجب زوال شخصیت بوده و متوفی از لحاظ حقوقی، شخص محسوب نمی گردد و تعهدات قائم به شخص متوفی در زمان حیات با فوت وی ساقط گردیده زیرا وجود تعهد به وجود متعهد بستگی دارد و اموال و حقوق مالی متوفی به ورثه او منتقل

گردیده و دیون و تعهداتی که قایم به شخص متوفی نمی باشند به تر که او تعلق می گیرد.

۲-۲-۱-۱- اهلیت شخص حقوقی

در تعریف شخص حقوقی می توان گفت که دسته ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک بوده و یا پاره ای از اموال که به اهداف خاصی اختصاص داده شده اند و قانون آنها را دارای حق و تکلیف بداند و برای آنها شخصیت مستقلی قایل گردد. با عنایت به ماده ۵۸۸ قانون تجارت : «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر» اصل بر اهلیت تمتع اشخاص

حقوقی بوده مگر آنچه که بر حسب طبیعت
ویژه انسان باشد. در حقوق ما اشخاص حقوقی
را می توان به اشخاص حقوقی عمومی و
اشخاص حقوقی حقوق خصوصی تقسیم کرد
و تشکیل اشخاص حقوقی حقوق عمومی
برای رسیدن به یک هدف عمومی بوده و
اهداف و مقاصد آنها به جامعه و عموم مردم
بر می گردد، دولت، شهرداری ها و سازمان
های عمومی از اشخاص حقوقی عمومی می
باشند و حسب ماده ۵۸۷ قانون تجارت به
محض ایجاد، بدون احتیاج به ثبت دارای
شخصیت حقوقی می شوند و نیاز به ثبت آنها
نیست.

اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، به
اشخاصی اطلاق می گردد که هدف و فعالیت
انها در رابطه با حقوق خصوصی (روابط
خصوصی مردم) می باشد و به سه دسته قسم
تقسیم می شوند:

الف- شرکت های تجاری

ب- موسسات غیر تجاری که به دو بخش
تقسیم می گردند:

۱- موسساتی که هدف آنها جلب منافع
نمی باشد

۲- موسساتی که هدف از تشکیل آنها سود
جویی و جلب منافع مادی است

ج- موقوفات

در اهلیت اشخاص حقوقی ، با عنایت به ماده ۵۸۸ قانون تجارت، بدون شک شخص حقوقی، باید اهلیت لازم را برای دارا شدن و اجرای حق داشته باشد چرا که شخص بدون اهلیت موجودی است که نمی تواند طرف حق و تکلیف واقع گردد و شخص حقوقی نیز دارای کلیه حقوق و تکالیفی می باشد که شخص طبیعی می تواند دارا شود ولیکن شخص حقوقی، حقوقی را که بر حسب طبیعت ویژه انسان است مانند حق ابوت و نبوت فاقد می باشد و نمی توان چنین حقوقی را به اشخاص حقوقی اعطا کرد. از آنجا که

شخص حقوقی به منظور نیل به اهداف خاصی به وجود آمده است ، اهلیت تمتع او نیز با توجه به همین مقاصد تعیین می گردد و به اراده کسانی که شخص حقوقی را بوجود آورده اند بستگی دارد.

اهلیت تمتع شخص حقوقی محدود به اهداف و اغراضی است که به منظور آن ایجاد شده اند و صرفاً " در محدوده شخصی خویش اهلیت دارند و تنها دولت به عنوان شخص حقوقی حقوق عمومی از این قاعده استثناء می باشد. لازم به ذکر است با توجه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت ، شخص حقوقی دارای اهلیت عام است مگر اینکه دلیلی بر محدودیت

اهلیت او وجود داشته باشد. در اهلیت استیفاء اشخاص حقوقی، از آنجائی که اعمال و اجرای حق مستلزم وجود اراده حقوقی است و اشخاص حقوقی فاقد اراده می باشند، حقوق خود را از طریق مدیران یا نمایندگانشان اعمال و اجرا می نمایند.

۳-۲-۱- مفهوم سند

سند دارای مفاهیمی می باشد که در ذیل اشاره می گردد:

مفهوم عام سند: در این مفهوم سند به معنای هر تکیه گاه و راهنمای مورد اعتماد است. اینکه گفته می شود «فلان سند تاریخی، درباره رویدادی ارائه شده است» یا اینکه بیان

گردد فلان سخن دارای سند معتبر است و می
توان بدان اعتماد نمود» مفهوم عام سند مورد
نظر است اما مفهوم اخص و اصطلاحی سند،
در خصوص نوشته ای است که تنها در مقام
دفاع یا دعوی قابل استناد است. (کاتوزیان
، ۱۳۸۰: ۲۷۵) مفهوم خاص سند نیز هر نوشته
ای را که قابل استناد باشد شامل می شود و از
آن جمله اند؛ اعلام کتبی اشخاص یا تصدیق
نامه و نظر کارشناسی و صورتجلسه تحقیق
محلی و متن قوانین و

که در این مفهوم مراد از سند معادل معنای
«دلیل» است (مدنی، ۱۳۷۶ : ۸۰) در ماده
۱۲۸۴ قانون مدنی در تعریف سند آمده است :

«سند عبارت است از هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد» آنچه از این تعریف بعنوان ارکان و شرایط موثر استخراج می گردد عبارت است از «نوشته بودن» که با این قید دلایل غیر مکتوب از شمول تعریف خارج می گردد و به خط یا علامتی که در روی صفحه نمایان باشد و مراد هر نوع خط و علامتی که در روی هر نوع صفحه اعم از کاغذ یا صفحه چوبی یا سنگی یا پارچه ای و... اشاره می گردد ، قابل استناد بوده ، مراد از این قید ، به معنای آن است که باید بتوان ، سند را برای اثبات ادعا یا دفاع از خود در محکمه به کاربرد خواه دعوایی مطرح شده یا

نشده باشد به عبارت دیگر، باید بتوان به موجب (این قید سند را علیه کسی در دادگاه به کاربرد) (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۶۸)

از آنجایی که شهادت نامه همواره تعهدی را در مقابل طرف در بر ندارد و یا اینکه خاصیت الزام آور بودن را ندارد، به عنوان سند محسوب نمی گردد بر این اساس قانون مدنی در ماده ۱۲۸۵ تصریح نموده که شهادت نامه سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت. در تعریف سند، اساتید برجسته حقوق به تعریف حقوقی سند اشاره نموده اند از آن جمله دکتر کاتوزیان بیان داشته اند « نوشته ای که به منظور تحقق

بخشیدن و اثبات واقعه حقوقی، تنظیم می شود
در اصطلاح حقوقی «سند» نامیده می شود «
(کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۷۷)

دکتر لنگرودی در این مقام می گویند :
«سند نوشته ای است که در اثبات مطلبی، به
کار می رود هر چند که هرگز، در مقام
دعوی یا دفاع به کار نرود (جعفری لنگرودی،
۱۳۷۹ : ۱۰۶۸)

در ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی اسناد به دو گروه
«اسناد رسمی» و «اسناد عادی» تقسیم می شوند

۱-۲-۳-۱ - سند رسمی